

نقدی بر فیلم «رها»

نمایش رنج در خانواده‌ای آسیب‌پذیر

مهدی قنبر

مهدی قنبر، نویسنده و منتقد سینما درباره فیلم «رها» ساخته «حسام فرهمند» نوشت: «رها» نخستین فیلم بلند «حسام فرهمند» در جایگاه کارگردانی با مشاوره‌های «مرضیه برومند» است. فیلمی که توانست ۶ نامزدی دریافت جایزه و سیمرغ بهترین فیلم اول را از در چهل و سومین دوره فیلم فجر دریافت کند. همین امر نشان‌دهنده توانمندی و موفقیت فیلم‌ساز در گام نخست است. فیلمی که نامزد «طراحی صحنه، تدوین، کارگردانی، بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، بازیگر اول مرد و بازیگر مکمل زن» می‌شود دورنمای خوبی را برای سازنده‌اش به‌ارمغان می‌آورد.

فیلم رها ملودرامی اجتماعی از رنج و مشکلات خانوادگی متوسط است که به دلایلی دچار افت جایگاه و سقوط در طبقه اجتماعی‌اش شده است در نتیجه به جرم و جبر تنگ‌دستی، سیر اتفاق‌ها آن‌ها را شکننده‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌کند تا هم متلاشی شوند. خانواده‌ای که دیگر جامعه رهایش کرده، او را نمی‌بیند و برایش هم احترامی قابل نیست.

فیلم نگاهی اعتراضی به فقر و عواقب آن دارد. فقری که فیلم عامل اصلی آن را پدر بی‌مسئولیت می‌داند. مرد خانواده به دلیل مشکلات روحی ناشی از یک تصادفی تلخ، دیگر حاضر نیست تن به کار قبلی بدهد. کاری که به نظر می‌رسد درآمد خوبی داشته؛ ولی اکنون این تصمیم او را به کام فقر سوق داده است. او که عامل فقر خانواده است مدام انگشت اتهامش را به‌سوی دیگران می‌گیرد و دیگران را مسئول مشکلات و تنگ‌دستی خود می‌داند. این رویکرد و بی‌عملی پدر، خانواده را تا سرایشی نابودی سوق می‌دهد.

مخاطب بسا لحظات غم‌انگیز و غم‌بار پدر اندوهگین می‌شود، اما او را معلول یک جامعه افسرده و فقیر نمی‌داند؛ بلکه او را مردی می‌داند که به دلیل افسردگی، فقر را به خود و خانواده‌اش تحمیل کرده است. فقری که فیلم «رها» را از یک ملودرام اجتماعی به یک تراژدی کامل تبدیل می‌کند.

شخصیت پدر بی‌شک با بازی خوب «شهاب حسینی» بسیار ملموس‌تر و باورپذیرتر شده است. بازی او را پیش‌ازاین در فیلم «جدایی نادر از سیمین» در قالب پدری که از در تنگنای مشکلات مالی زندگی بر سر همسرش فریاد می‌کشد دیده‌ایم. گونه‌ای بازی برون‌گرا از شهاب حسینی که اگر چه این واکنش برون‌گرایانه از دل یک کنش حسی درون‌گرایانه شکل می‌گیرد؛ اما مخاطب آن شخصیت را با فریادها و رفتار تند و خشنش به یاد می‌آورد. ولی شخصیت پدر «توحید» در فیلم «رها» بیش از شخصیت

پدر در فیلم «جدایی نادر از سیمین» رنج و درد پدرانه‌ای را در خود تحمل می‌کند. بازی «شهاب حسینی» در این فیلم بیش از آنکه برون‌گرایانه باشد درون‌گرایانه است. پدری که خود را مسئول رنج خانواده می‌داند و بخش عمده از این درد و غم را در تنهایی، سکوت، نگاه، بازی با چشمان، در روی برگرداندن از خانواده و در خودخمیده شدن می‌بینیم. به این ترتیب فقط اندکی از این رنج را به شکل خشم، برونی می‌کند. آن هم در مواجهه با کسانی که غم و رنج او را تمسخر می‌کنند. این شخصیت اگر فریاد می‌زند بر سر خودش است چرا که خود را گناهکار در مصائب و مصیبت خانواده‌اش می‌داند. با این احوال در اوج استیصال و غم از دست دادن فرزند از انتقام دزد لب تاب فرزندش می‌گذرد و خشم خود را بر سر او خالی نمی‌کند.

نشانه‌شناسی در فیلم رها

جزئیات، نشانه‌ها و المان‌های فیلم «رها» آن هم در ژانر ملودرامی اجتماعی بسیار زیاد است. مهم‌ترین المان سازی فیلم در طراحی لوگو فیلم دیده می‌شود. لوگوی فیلم «رها» بر موهای رهای شخصیت اول زن فیلم تأکید دارد، گرچه «رها» نام شخصیت اصلی داستان نیز هست. به این ترتیب نگاهی دوپهلو در نام فیلم و لوگوی



مهدی قنبر:
شخصیت پدر
بی‌شک با بازی خوب
«شهاب حسینی»
بسیار ملموس‌تر
و باورپذیرتر شده
است. بازی او را
پیش‌ازاین در فیلم
«جدایی نادر از
سیمین» در قالب
پدری که از در
تنگنای مشکلات
مالی زندگی بر سر
همسرش فریاد
می‌کشد دیده‌ایم

آن به موهای شخصیت اصلی داستان شده است. در سکانس اول فیلم «رها» پدری را می‌بینیم که نشسته بر روی کاناپه‌ای در حال صحبت کردن با دخترش، می‌خواهد موهای بلند او را ببافد. اما در ادامه با اعتراض از اینکه موهای دختر همه خانه حتی دهان او را پر کرده از این کار امتناع می‌کند؛ در سکانس انتهایی پدر باز هم بر روی همان کاناپه نشسته و با حسرت و غم، بدون حضور دخترش «رها» دست‌هایش را در لابه‌لای موهای بریده شده دختر می‌برد.

فیلم امکان پیش‌بینی پذیری اتفاقات قصه را در قالب نشان‌ها و مشابه‌سازی آنها در اشلی کوچک‌تر به مخاطب می‌دهد تا به آن چیزی که در خلال داستان از طریق برخی شخصیت‌ها مانند «پدر» و پسر (سهیل) روایت می‌شود شک کند. زمانی که مخاطب می‌بیند شخصیت پدر (توحید) دستگاه قهوه‌ساز خراب و غیرقابل تعمیری را می‌خرد. مطمئن می‌شود که او نخواهد توانست با بودجه محدودش لب تاب اپلی که فقط باتری آن خراب بوده است را برای فرزندش بخرد. پس مانند دیگر شخصیت‌های قصه و پلیس به او شک می‌کند. این شک را مسیر طبیعی روایت قصه و نشانه‌ها به ذهن مخاطب می‌رساند و نه زندگی فقیرانه شخصیت‌های قصه. فیلم «رها» هر اندازه در این نشانه‌سازی‌ها خوب عمل کرده؛ اما در نگاه به قشر فقیر جامعه دچار کج‌فهمی و بی‌انصافی است. آیا آدم‌های فقیر جامعه از فقر تعقل و تصمیم‌گیری نیز در رنج هستند؟ بی‌شک این دیدگاه نادرست است. درست است فقر معضلی اجتماعی است و باز هم درست است که وقتی فقر می‌آیند به دلیل آن مصائب مختلف می‌توانند زنجیروار بنیان یک خانواده را متزلزل کنند. اما القای این مطلب که فقر به دلیل کندذهنی افراد در استفاده به موقع از موقعیت‌های زندگی یا ناتوانی در مدیریت داشته‌های مالی و خرج و برج‌های بیهوده و خرید لوازم بلااستفاده دیگران و اضمحلال تعقل فردی که در فقر غوطه‌ور است نیست. یا این گونه نیست که فرد فقیر از سرب‌بی‌عاری و تن به کار ندادن فقیر شده باشد. هیچ‌کس خودخواسته فقر را به‌عنوان سبک زندگی بر نمی‌گزیند. کسی هم که فقیر شده می‌کوشد تا برای پول اندکش مدیریت مالی داشته باشد. اما سازنده فیلم «رها» برای آب‌وتاب دادن به داستان خود همه این موارد را یکجا در شخصیت پدر (توحید) ایجاد می‌کند و برای تلخ و گزنده کردن موضوع، رنج‌آورترین اتفاقات را برای زندگی شخصیت اصلی قصه‌اش خلق می‌کند تا به این ترتیب از یک ملودرام اجتماعی به یک تراژدی سهمگین برسد و اشک و آهی بی‌رحمانه را از مخاطب در سالن سینما بگیرد.

